

همشهری



روزنامه چهل و چهارمین (روز پنجم)
جشنواره بین‌المللی فیلم فجر

فینت
چهارمین

استقبال مردمی از فیلم صدر عاملی

«قایق سواری در تهران»
به ۲۰۰۰ نفر فوق‌العاده رسید

بدون فیلمنامه خوب
معجزه نمی‌شود

گفت‌وگو با منوچهر هادی، کارگردان «خیابان جمهوری»

قهرمانی برای نسل زد

گفت‌وگو با امیراحمد انصاری
کارگردان «مارون»



ملاقات با

بانوی همیشه جوان

مرغیه برومند که با فیلم «دختر پری خانم» به جشنواره آمده
همیشه برای ما زنی قوی، شاد و قابل‌اطمینان باقی خواهد ماند

بازیگر سرشناس جهان عرب در راه ایران

بازیگر مطرح و پرافتخار جهان عرب، سلاف محمد فواخر جی که در فیلم سینمایی «سرزمین فرشته‌ها» بازی کرده، راهی تهران می‌شود.

این بازیگر سرشناس که سابقه حضور در جشنواره فیلم کن را هم داشته، در «سرزمین فرشته‌ها» به کارگردانی بابک خواجه پاشا و تهیه‌کنندگی منوچهر محمدی ایفای نقش کرده است. اعلام سفر او به تهران در صفحه مجازی این بازیگر با استقبال بسیار گسترده طرفدارانش که اغلب از جهان عرب هستند مواجه شده است. او در روزهای آینده به تهران می‌آید و در جشنواره فیلم فجر حضور خواهد داشت.

«آندو» به جای «عروس چشمه» فیلم رزرو هفتم نرسید

فیلم سینمایی «آندو» به کارگردانی مرتضی رحیمی و تهیه‌کنندگی علیرضا سبط‌احمدی به جشنواره فیلم فجر پیوست. پس از آنکه به دلیل تکمیل نشدن مراحل فنی فیلم «عروس چشمه» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی فریدون نجفی، این فیلم از حضور در چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر بازماند، «آندو» وارد این رویداد سینمایی شد.

فیلم سینمایی «عروس چشمه» به دلیل طولانی شدن مراحل فنی و کارهای مربوط به موسیقی به فجر چهل و چهارم نرسید.

فیلم سینمایی «آندو» قصه ظفر، پسر بچه‌ای ۱۲ ساله، اصالتاً بختیاری و از عشایر لردگان است که پدرش خدابخش و برادرش خدارحم به همراه دیگر مردان ایل به جبهه رفته‌اند. چند ماهی است که از خدارحم خبری نیست. در همین حال، شهیدی را به لردگان می‌آورند و چون نام و نشانی ندارد، جهت شناسایی او، ابتدا به خانواده ظفر خبر می‌دهند و...

فریبا کوثری، علیرام نورایی، قدرت‌الله ایزدی، مالک حدپور سراج، آوا دارویت، اسرافیل علمداری، محمدرضا ژاله و کامران دهقان برخی از بازیگران فیلم هستند.

تسریع دسترسی به پارکینگ پردیس سینمایی ملت

جهت تسریع در رفت‌وآمد اهالی رسانه به پردیس ملت و فراهم کردن امکان مناسب‌تر حضور در خانه جشنواره ملی فیلم فجر، درب پارکینگ در بزرگراه هاشمی رفسنجانی از دوشنبه ۱۳ بهمن‌ماه باز شده است. اهالی رسانه می‌توانند در مسیر غرب به شرق بزرگراه هاشمی رفسنجانی با ارائه کارت جشنواره وارد پارکینگ شوند و از این مسیر به‌صورت مستقیم به پردیس ملت بروند.

استقبال مردمی از فیلم صدرعاملی

«قایق سواری در تهران» به ۱۲ اکران فوق‌العاده رسید



در سومین روز برگزاری جشنواره، به مرور تنور فجر چهل و چهارم داغ می‌شود. میان فیلم‌هایی که در ۳ روز اول روی پرده رفته‌اند، ۳ فیلم «قایق سواری در تهران»، «خواب» و «استخر» مخاطبان بیشتری داشته‌اند.

سانس فوق‌العاده برای نمایش فیلم «حال خوب زن» که ساخته اول کارگردانش است و بازیگر چهره هم در آن حضور ندارد، در نوع خود جالب توجه است. تا اینجای کار، آخرین ساخته رسول صدرعاملی با بیشترین اقبال عمومی مواجه شده است. تنها بازمانده از فیلمسازان دهه ۶۰ در جشنواره امسال، با روایت جذابی که از تهران ارائه داده، بیشتر از هر فیلم دیگری مورد توجه مخاطبان قرار گرفته است.

فیلم «قایق سواری در تهران» پس از ۲ روز اکران در سینماهای مردمی، مورد استقبال کم‌نظیر مخاطبان قرار گرفته است. استقبال عمومی مخاطبان در سومین روز جشنواره، آخرین ساخته رسول صدرعاملی را به ۱۲ اکران فوق‌العاده رساند. فیلم «قایق سواری در تهران» به نویسندگی پیمان قاسم‌خانی درامی اجتماعی با رگه‌های کمدی است که لحن طنزانه آن موجب سیر صعودی استقبال مخاطبان جشنواره فجر از این فیلم شده است. در این فیلم که جزو آثار جذاب حاضر در جشنواره فجر است، بازیگرانی چون پیمان قاسم‌خانی، سحر دولت‌شاهی، زهرا داوودنژاد و محمد بحرانی، ایفای نقش کرده‌اند.

ثبت آرای تماشاگران جشنواره ۲۱ ساعت پس از تماشای فیلم

از روز یکشنبه شبیه رأی‌دهی تماشاگران در سینماهای مردمی اعلام شده و مخاطبان می‌توانند پس از خرید بلیت و حضور در سینما تا ۲ ساعت پس

از تماشای فیلم به‌صورت اینترنتی به فیلم‌ها رأی دهند. امسال مدیریت، اجرا و ثبت آرای تماشاگران جشنواره به خانه سینما سپرده شده است.

شاگرد همیشگی پدر

یوسف حاتمی‌کیا به همراه محمدرضا منصوری تهیه‌کننده فیلم، در نشست پرسش و پاسخ فیلم «اسکورت» در قالب چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر که در ۱۳ بهمن‌ماه در پردیس ملت برگزار شد، از جزئیات ساخت دومین فیلمش سخن گفت. گزیده‌ای از صحبت‌های یوسف حاتمی‌کیا در جلسه پرسش و پاسخ با خبرنگاران را پیش رو دارید.

■ نخستین بار با یک مقاله در روزنامه «اعتماد» با این موضوع مواجه شدم و سپس در حین تحقیقات با افراد مختلفی روبه‌رو شدم که در شغل‌های کشاورزی، معلمی و... شغلی بودند. دنبال ساخت فیلم سیاه نبودم و خواستم بگویم که چنین افرادی را هم ببینید. ضمن اینکه تلاش کردم جنبه منفی و صدماتی را هم که ممکن است ایجاد شود، نشان دهم.

■ «شب طلایی» جایی بود که من احساس کردم دیگر نمی‌توانم فیلم بسازم چون چندین بار تلاش کردم فیلم‌هایی بسازم و به نتیجه نمی‌رسید. ولی واقعیت امر این است که من سینما و مدیوم آن را ساخت فیلم‌هایی چون «اسکورت» می‌دانم.

■ یکی از مشکلاتی که برای ساخت این فیلم وجود داشت پرداختن به خود شغل شغلی‌ها بود. با این حال من تلاش کردم به آدم‌هایی بپردازم که چاره‌ای ندارند و مجبور به انجام این شغل هستند.

■ باید در جشنواره بمانیم و چراغ جشنواره را روشن نگه داریم که این برای پیکر نحیف سینمای ایران بسیار مهم است.

■ در بحث فیلمنامه، اثر دچار ممیزی‌هایی شد ولی به‌قصه آسیب نزد.

■ درباره پدر هم من شاگرد همیشگی او هستم.

■ از همان زمان نگارش طرح به‌امیر جدیدی فکر کردم و به نوعی برای او نقش را نوشتم و خوشحال هستم که با امیر جدیدی و هدی زین‌العابدین کار کردم.

«گیس» روایت نفوذ

مهدی جوادی، مدیرعامل اسبق بنیاد سینمایی فارابی و تهیه‌کننده فیلم «گیس» در نشست رسانه‌ای این فیلم گفت: «گیس» یک اقتباس از یک داستان واقعی است. در سال ۱۴۰۱ مجموعه‌ای از انفجارهای ناشی از آلودگی صنعتی را داشتیم. داستان «گیس» برگرفته از همان داستان‌های درهم‌تنیده است.

فیلم «گیس» لحن و ادیبانی دارد که نیاز داشت کارگردان به آن باور داشته باشد. «گیس» روایت معیشت مردم و درد مردمی است که چرخ اقتصاد را می‌چرخاند اما زندگی خودشان نمی‌چرخد.

وی تصریح کرد: «گیس» روایت نفوذ و روایت افراد بالادستی است که نمی‌گذارند ایران پیشرفت کند و کسانی که می‌خواهند ایران را بفروشند، ساخت این فیلم افراد باورمند می‌خواست. در نتیجه ترکیب جسور و کاظم دانشی به‌عنوان نویسنده باورمند، به فیلم کمک کرد و به همین دلیل برای ساخت فیلم انتخاب شدند.

وی درباره انتخاب نام «گیس» گفت: گیس برای ما مرز باریک خیانت و شرافت بود. شخصیت زن ما در این فضا غلتان بود و نمی‌دانست کار درست انجام می‌دهد یا خیر.

جوادی درباره نیامدن بازیگران به نشست خبری هم گفت: این سؤال را باید از فاشیست‌هایی پرسید که با دیکتاتوری رسانه‌ای و فشار رسانه‌ای باعث می‌شوند برخی از عوامل در خانه خودشان نباشند. من در سال ۱۴۰۱ زمانی که مدیرعامل فارابی بودم با این تجربه مواجه شدم. با فاشیست‌هایی که با تهدید دنبال این بودند که عوامل سینما از خانه خود دور باشند. من افسوس می‌خورم که چرا درباره این دیکتاتورها فیلم نساختمیم، درباره اکانتهای فیک که عوامل را می‌ترسانند. اینها آن روزها بر صفحات مجازی هنرمندان خیمه زده بودند تا بلافاصله به آنها توهین کنند.

ملاقات با بانوی همیشه جوان

مرضیه برومند
که با فیلم «دختر پری خانم» به جشنواره آمده همیشه برای ما زنی قوی، شاد و قابل اطمینان باقی خواهد ماند

◀ **علیرضا محمودی**

خبر حضور مرضیه برومند ۷۴ ساله در فیلم «دختر پری خانم» ساخته علیرضا معتمدی به عنوان بازیگر، بازگشت یک چهره مهم تاریخ نیم قرن تلویزیون فارسی به حرفه‌ای است که او کارش را بعد از فارغ التحصیلی از دانشگاه تهران با آن آغاز کرد. نخستین تصویری که از او در سینمای ایران ثبت شده بازی در نقش پرستاری متفاوت در بیمارستانی فسادزده به کارگردانی داریوش مهرجویی فقیذ بود و حالا ۵۰ سال بعد او خود را به دست کارگردانی سپرده که داستان‌هایی با قهرمانی خودش درباره روزمرگی و تباه‌شدگی روزانه روایت می‌کند.

انتخاب برومند برای حضور در چنین پروژه‌ای هر چه باشد هوش سازنده دهه شصتی ما را بر جسته می‌کند و البته مضمونی مناسب برای نویسندۀ این نوشته کوک. مرضیه برومند هرگز بازیگر پر کار و بازیگری برایش سرنوشت نبوده اما حضورش در سومین فیلم معتمدی ما را یک راست متوجه آن چیزی می‌کند که به‌خاطر آن مرضیه در میان همه کارگردانان زنی که از خود رد اثری در تلویزیون و تئاتر با برنامه‌های تلویزیونی گذاشته‌اند شاخص و مشخص باشد. مرضیه برومند، ستاره زنان کارگردان در سینماست. این ستایش را تاریخ نصیب او کرده است. تاریخ بی‌رحم و فراموشکاری که میلیون‌ها اسم را پاک می‌کند در برابر این مرضیه راضی به فراموشی نیست. احترام او همیشه واجب بوده و خدشه‌ای به آن وارد نخواهد شد. او با سابقه بازیگری در سریال‌های کودکان همچون «کدوی تنبل» به کارگردانی رضا بابک و سریال‌های بزرگسالان همچون «سلطان صاحبقران» به کارگردانی علی حاتمی در دهه ۱۳۶۰ خودش را در

مدرسه و شهر موش‌ها به مدیران جوان جام جم معرفی کرد؛ زنی قوی که نگاهی باطراوت به زندگی دارد. آب زمزم برای رسانه‌ای که در دوران جنگ نیازمند انتشار پیام‌های اخلاقی اما جذاب برای مخاطبان کودک و نوجوانی بود که سرگرمی‌ای به جز مبله‌های سیاه و سفید توشیبا و گروندیک نداشتند.

۳۳ سال برومند در این دوران برای کودکان و بزرگسالان رسانه تلویزیون اعتماد به نفس برنامه‌سازی را به تولیدکنندگان برنامه‌های رایج آنتن پرکن بازگرداند. احساس اهمیت کارهای نمایشی بیش از اخبار و تحلیل‌های سیاسی به برومند به راهروهای ساختمان



مرضیه برومند در پشت صحنه فیلم «شهر موش‌های ۷۴» (۱۳۹۳)

فیلم‌هایی که امروز می‌بینیم

چطور تجربه شخصی‌مان را به فیلم تبدیل کنیم؟

دختر پری خانوم (علیرضا معتمدی)



◀ **ناهید پیشور**

سومین ساخته بلند علیرضا معتمدی در تداوم دو تجربه قبلی‌اش «رضا» و «چرا گریه نمی‌کنی» که بی‌ربط به فضای عمومی سینمای ایران، مبین فیلمسازی شخصی بودند، احتمالاً هیچ ارتباطی با فیلم‌های جشنواره امسال ندارد. معتمدی پیش از این نشان داده علاقه‌مند به خلق فضا و حال و هوایی نزدیک به زندگی روزمره با تلقی و نگاهی کاملاً شخصی است و ابایی ندارد که قواعد کلاسیک قصه‌گویی را رعایت نکند و در عین حال سراغ سینمای ضدقصه هم نرود. «دختر پری خانوم» که حضور مرضیه برومند در آن پس از سال‌ها دوری از سینما خبر ساز شده، نخستین فیلم معتمدی است که یک نهاد دولتی در آن سرمایه‌گذاری کرده است. فیلمی که با مشارکت بنیاد فاریابی ساخته شده و جز مرضیه برومند، سها نیاستی، صحر اسداللهی و زهرا خدادادی دیگر بازیگرانش هستند و مثل ۲ فیلم قبلی معتمدی خود نقش اصلی مرد را بازی کرده است. «چطور تجربه شخصی‌مان را به فیلم تبدیل کنیم؟» عنوان ورکشاپی بود که علیرضا معتمدی برای فیلمسازان جوان برپا کرد. عنوانی که پاسخش را می‌شود در «رضا» و «چرا گریه می‌کنی؟» دریافت کرد. «دختر پری خانوم» که ظاهراً با دل دادن بیشتر به عالم خیال ساخته شده، پاسخی تازه به این پرسش است.

مردی از طبقه فرو دست (اردوبهشت/محمد داودی)

فیلمنامه‌نویس چند فیلم مطرح این سال‌ها «قصر شیرین» و «نگهبان شب» به کارگردانی رضا میرکریمی و «بی‌همه‌چیز» ساخته محسن قزایی در نخستین ساخته بلند سینمایی‌اش سراغ درام اجتماعی، گونه محبوب سینمای ایران، رفته است. در «اردوبهشت» حامد بهداد نقش مردی از طبقه فرو دست را بازی می‌کند که پیگیر پرونده دختر در گذشته‌اش است. فیلمنامه «اردوبهشت» را داودی به همراه کاظم دانشی، چهره پرکار جشنواره امسال، نوشته و تجربه فیلم فجر نشان داده که فیلم‌هایی از این دست مورد توجه تماشاگران و منتقدان قرار می‌گیرند.

سنگ بزرگ

مارون (امیراحمد انصاری)

امیراحمد انصاری کارگردان فیلم‌های «هاری» و «خون مردگی» از درام اجتماعی به سمت فیلم زندگینامه‌ای رفته است. «مارون» درباره زندگی دراماتیک و پرفراز و نشیب شهید هدایت‌الله طیب است. شهیدی که از دوران دانشجویی در آمریکا تا پیوستن به جریان انقلاب و حضور در جبهه‌ها زیستی قهرمانانه را تجربه کرد. در «مارون» امیرحسین فتحی نقش شهید هدایت‌الله طیب را ایفا کرده است و نکته جالب توجه حضور جمشید هاشم‌پور در این فیلم است.

مرضیه برومند همیشه برای ما زنی قوی، شاد و قابل اطمینان باقی خواهد ماند. او به لطف داستان‌هایی که خوب تعریف کرده به این شمایل دست یافته است. در پنجمین روز جشنواره بازگشتش را به بازیگری تماشا می‌کنیم. او همیسه ما را زمانی که صرف او کرده‌ایم خشنود می‌کند



روزنامه چهل و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر

44nd
FAJR INTERNATIONAL
FILM FESTIVAL
 چهارشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۴ - شماره ۵

جایگاه مبهم یک جریان مؤلف

سینمای مستقل
در جشنواره فیلم فجر



احسان طهماسبی

حاصل ۴ دهه حضور سینمای مستقل در ادوار جشنواره فیلم فجر، بیش از آنکه دستیابی به جایگاهی روشن و پایدار و حضوری رسمی و غیرقابل حذف باشد، همواره معلق و به مثابه یک جریان غیرقابل تداوم بوده است. از این رو، بسیاری از آثار سینمای مستقل، از سوی داوران جشنواره، مورد کم لطفی قرار گرفتند و در تاریخ نگاری های منتقدان، از اغلب این آثار، با تعبیر «استثناهای موفق» یاد شده است. از سویی دیگر به جهت فقدان تفکیک نظری مشخص در دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰، بسیاری از فیلم هایی که در ادوار مذکور در گروه سینمای مستقل قرار می گرفتند، بنا بر باز تعریف امروزی، ذیل سینمای اجتماعی تعریف می شوند و در استمرار این جریان غیر نظام مند، در اواخر دهه ۷۰ و همینطور دهه ۸۰، برخی فیلم ها با فاصله گرفتن از سینمای جریان اصلی، با روایت های کم حادثه و تمرکز بر زیست روزمره توانستند به جوایز فجر نیز دست یابند. اما از دهه ۹۰ به بعد، شکاف میان حضور این قبیل فیلم ها و جایگاه آنها در فجر عمیق تر شد و آثار پرهزینه ارگانی و همسو با سیاست های رسمی، بیشتر مورد توجه فجر واقع شدند.

بر مبنای قانونی نانوشته، معیار هایی همچون اهمیت مضمون بر فرم، ترجیح پیام بر روایت و احتیاط در ستایش از نگاه های شخصی و مسئله مند، معیار اصلی اغلب داوران این دهه قرار گرفت و در این شرایط، بدون حذف سینمای مستقل، امکان رقابت سالم و برابر از فیلمسازان این حوزه سلب شد.

از دیگر سو، بالاتکلیفی جشنواره در قبال سینمای مستقل در مرحله اکران، تشدید و بسیاری از این فیلم ها بعد از نمایش در فجر، از چرخه اکران حذف و یا در اکران محدود و بی اثر، پیوند میان فیلم و مخاطب را از دست دادند. این در حالی است که این سینما، بیش از هر جریان دیگری، برای بقا به دیده شدن و گفت و گو با مخاطب نیاز داشته و فجر به عنوان حلقه واسطه، می توانست به سکوی پرتاب این آثار و تثبیت جایگاه آنها در میان مخاطبان بدل شود.



فهرمائی برای نسل زد

گفت و گو با امیر احمد انصاری، کارگردان «مارون»

فهیمة پناه آذر

امیر احمد انصاری از دهه ۸۰ کار فیلم سازی را شروع کرد. او فیلم هایی چون «هاری»، «برگشت نا پذیر» و «شریک» را در کارنامه سینمایی دارد. نقطه عطف کارنامه این کارگردان «هاری» است که آن را در ۳۵ سالگی ساخت. این کارگردان ۴۵ ساله در ادامه مسیر خود، فیلم «خون مردگی» را در سال ۱۳۹۶ کارگردانی کرد و بار دیگر به سراغ فضایی اجتماعی و شخصیت محور رفت. تازه ترین اثر این فیلمساز «مارون» است که در این دوره از جشنواره به نمایش در می آید. فیلمی



«مارون» چطور ساخته شد؟

فیلمنامه ای که به دست من رسید یک فیلمنامه کامل بود. اینطور نبود که یک ایده یک خطی یا طرح باشد. قصه کاملی از طریق آقای مهدی صاحبی به من داده شد، خواندم و با توجه به این که قصه می تواند یک تریلر جاسوسی اکشن باشد، برایم جذاب بود. مهدی صاحبی تهیه کننده فیلم هم هستند و با توجه به داستان کامل که از آن خوشم آمد، قرار شد آن را جلوی دوربین ببریم.

«مارون» تولید بنیاد روایت فتح است. با توجه به

حضور این ارگان مشکلی در پروسه تولید فیلم نداشتید؟ اینکه این ارگان دخل و تصرفی در طول تصویربرداری داشته باشد؟

اگر هم نظراتی ارائه شده در مرحله نگارش بوده است؛ اما در مرحله پیش تولید و تولید دوستان نظری اعمال نکردند و تصویربرداری در ۶۰ روز انجام شد که البته روزهای پرکاری داشتیم.

این فیلم درباره هدایت الله طیب است که

به چمران جنوب معروف بود. بخشی از زندگی این شخصیت در آمریکا می گذرد. شما تصویربرداری خارج از کشور هم داشتید؟

ما قصد داشتیم برای برخی از سکانس ها برای تصویربرداری به خارج از کشور برویم؛ اما با توجه به اوضاع و احوال و همچنین وضعیت اقتصادی منصرف شدیم. چند پلان کوتاه گذری خارج از ایران را برپیمان فرستادند. اما تمام تصویربرداری در شمال کشور انجام شد. هدایت الله طیب در سال ۱۹۷۹ در دانشکده کشاورزی سنت پترزبورگ فلوریدا و در رشته مهندسی کشاورزی تحصیل می کرد. ما همه این سکانس ها را در شمال کشور

ساختیم و این کار سختی برای تمام عوامل بود، اما انجام شد. به طور مثال در بخش طراحی صحنه و لباس برای ۱۰۰ دانشجو در یک دانشگاه فلوریدا لباس طراحی کردیم و این لباس ها دوخته شد. این کار بسیار بزرگی است. با توجه به پروسه تولید، کار پیش تولید و تولید فکر چقدر طول کشید؟

پیش تولید فیلم «مارون» ۲ ماه تولید کشید و تولید فیلم نیز ۶۰ روز بود و البته در طول تولید به شکل همزمان کار تدوین را هم انجام می دادیم.

از انتخاب بازیگران بگوئید و اینکه امیر حسین فتحی را

که ادامه دغدغه های اجتماعی او در قالبی پخته تر تلقی می شود. فیلم مارون سومین تجربه کارگردانی حرفه ای امیر احمد انصاری بعد از فیلم های هاری و خون مردگی است که روایتی از زندگی هدایت الله طیب، یک شهید از ایل بختیاری است. «مارون» درباره هدایت الله است که ریشه در ایل لر و خاطراتی عمیق از زمین و کشاورزی در یکی از روستاهای حاشیه رود مارون در استان کهگیلویه و بویر احمد دارد و در دانشگاه فلوریدای آمریکا تحصیل می کند. جمشید هاشم پور و امیر حسین فتحی در این فیلم بازی کرده اند و بازیگرانی از دیگر کشورها نیز در آن بازی می کنند.

چطور برای نقش اول انتخاب کردید. البته حضور جمشید هاشم پور نیز با توجه به همکاری هایی که از قبل با ایشان داشتید، قابل تامل است. برای بازی در نقش هدایت الله طیب به بازیگری حدود ۳۰ ساله نیاز داشتیم که به لحاظ قد و هیکل نیز در نقش شخصیت اول قابل قبول باشد و شمایل یک قهرمان را داشته باشد. امیر حسین فتحی از همه لحاظ برای بازی در این نقش مناسب بود. از همه مهم تر امیر حسین فتحی به زبان انگلیسی تسلط کامل دارد و در فیلم به زبان انگلیسی صحبت می کند. برادر امیر حسین فتحی نیز ۹ سالگی در شیکاگو بوده و با توجه به تسلط او به زبان و بازی، او نیز از دیگر بازیگران فیلم است. آقای جمشید هاشم پور نیز به ما افتخار دادند و در فیلم با ما همکاری کردند. من برای سومین بار است که با او همکاری دارم و مثل همیشه بهترین همکاری شکل گرفت. هاشم پور سوپر استار ۲۰ دهه ماست و حضورش برای ما غنیمت است.

علاوه بر بازیگران ایرانی، بازیگران ترک و

روسی هم حضور دارند؟ براساس کمپانی های فیلم بازیگران را انتخاب کردیم و پروسه انتخاب و قراردادها را تهیه کننده فیلم انجام می داد. ملیکا مبارکشینا (از روسیه)، سازه مشه ادریل (از ترکیه)، فیلیپ ساپرکین و... بازیگران خارجی ما هستند.

در سال های اخیر ساخت فیلم های

پرتره شهیدان جنگ و سرداران زیاد شده. در «مارون» هم به نظر زندگی یک چریک به تصویر کشیده می شود. چقدر سعی کردید از شعاری شدن فیلم فاصله بگیرید؟

«مارون» یک فیلم در ژانر تریلر سیاسی و اکشن است و با توجه به قصه ای که دارد، شعاری نخواهد بود. معمولاً فیلم های دیالوگ محور به سمت شعاری شدن پیش

می رود اما «مارون» اینگونه نیست.

فیلم تا ۶۰ دقیقه اول به زبان انگلیسی و زیرنویس است و صحنه های اکشن و جذاب زیادی دارد و ما سعی کردیم نسل جدیدی را که از تاریخ معاصر فاصله گرفته جذب فیلم کنیم. تلاش بر این است که قهرمان جذابی در «مارون» داشته باشیم.

فیلم در لوکیشن های مختلف فیلمبرداری شده؟

در شمال لوکیشن های متعددی داشتیم، تالش، بندرانزلی، رودبار، شهرک دفاع مقدس، شهریار و... در مجموع در «مارون» ۸۰ لوکیشن داریم.

«مارون» یک فیلم در ژانر تریلر سیاسی و اکشن است و با توجه به قصه ای که دارد، شعاری نخواهد بود. فیلم تا ۶۰ دقیقه اول به زبان انگلیسی و زیرنویس است و صحنه های اکشن و جذاب زیادی دارد و ما سعی کردیم نسل جدیدی را که از تاریخ معاصر فاصله گرفته جذب فیلم کنیم. تلاش بر این است که قهرمان جذابی در «مارون» داشته باشیم

راه حل برنده

درباره کارت خبرنگاری



حافظ روحانی

رشد روزافزون رسانه‌های دیجیتال، خبرنگاران مستقل و صفحات شخصی اینستاگرام یا یوتیوب پای افراد و چهره‌هایی را به فضای رسانه‌های سینمایی باز کرد که جدا از آنچه در شکل عام، رسانه‌های رسمی خوانده می‌شوند به سینما و موضوعات مرتبط با آن پرداختند. آن هم رسانه‌ها، افراد و صفحاتی که گاه تعداد دنبال کنندگان و مخاطبان شان از رسانه‌های تخصصی هم بیشتر بوده و هست.

از طرف دیگر توجه عمومی به رسانه‌های دیجیتال و تضعیف رسانه‌های کاغذی و همچنین آزادی عمل بیشتر در فضای مجازی در قیاس با رسانه‌های موسوم به رسمی توجه مخاطبان را هم به رسانه‌های دیجیتال جلب کرد. همین موضوعات از یک سو به شکل گیری مشاغلی در سینما از جمله مشاور فضای مجازی انجامید و از طرف دیگر در دوره‌های پیشین جشنواره موضوع به رسمیت شناخته شدن این افراد و صفحات مجازی را به عنوان رسانه‌های فعال مطرح کرد که در نتیجه آن گردانندگان این صفحات مجازی هم خواهان دریافت کارت خبرنگاری و حضور در جشنواره شدند.

هر چند در میان جشنواره‌های بین‌المللی رقابتی هم هنوز رسانه‌های کاغذی اعتبار بیشتری نسبت به رسانه‌های دیجیتال و در سطح پایین‌تر صفحات یوتیوب یا اینستاگرام دارند اما توجه عمومی به این صفحات تا حد زیادی در ابتدا برگزار کنندگان جشنواره‌های مهجور تر و محلی تر و بعدتر جشنواره‌های بزرگ‌تر بین‌المللی رقابتی را وادار به عقب‌نشینی کرد تا لاقل در برابر صفحاتی که تعداد زیادی دنبال کننده دارند تسلیم شوند.

اگر در سال‌های پیشین برگزاری جشنواره فیلم فجر امکان ثبت درخواست در وبسایت جشنواره برای همگان آزاد بود (هر چند که در نهایت صدور کارت برای آنها منوط به انتخاب و تأیید روابط عمومی جشنواره می‌شد)، در دوره اخیر برگزار کنندگان به سراغ راه حل طلایی و همیشه برنده پاک کردن صورت مسئله رفتند و از اساس و به جای فراخوان عمومی از نشریات و رسانه‌های رسمی خواستند تا اسامی مورد نظرشان را جهت دریافت کارت اعلام کنند. به این ترتیب اگر موضوع تکثیر رسانه‌ها و حضور رسانه‌های موسوم به غیر رسمی مسبب بحث و جدل می‌شد امسال و به مدد روش جدید حتی امکان طرح دوباره سؤال (با وجود درک این موضوع که طرح سؤال معمولاً به پاسخی نمی‌رسد) هم به وجود نیامد. راه حل طلایی حذف صورت مسئله همیشه پاسخگوست و البته همیشه مسبب بحران‌های بزرگ‌تر بعدی.

بدون فیلمنامه خوب معجزه نمی‌شود

گفت‌وگو با منوچهر هادی، کارگردان «خیابان جمهوری»

علیرضا محمودی

فیلم «خیابان جمهوری» به کارگردانی و تهیه کنندگی منوچهر هادی در چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر اکران شد. هادی در کارنامه سینمایی خود چند اثر اجتماعی دارد، اما با کارهای طنز نیز شناخته می‌شود. «خیابان جمهوری» را پدرام کریمی نوشته، فیلمی با داستانی مرتبط با آسیب‌های اجتماعی که الناز ملک، فاطیما بهارمسست، روح‌الله زمانی و مرتضی شجاعی در آن بازی کرده‌اند و هادی حجازی فر هم در ۳ سکانس بقیه بازیگران را همراهی کرده است. «من سالوادور نیستم»، «آینه بغل» و «رحمان ۱۴۰۰» از فیلم‌های کم‌دی پرفروش این فیلمساز است. شاید «خیابان جمهوری» این فیلمساز هم در اکران با توجه به سوژه‌ای که دارد، بتواند در گیشه موفق باشد.



در «خیابان جمهوری» تماشاگر یک جریان عادی از یک زندگی را می‌بیند که می‌تواند در طول فیلم با آن همذات‌پنداری کند. خیابانی به تصویر کشیده می‌شود که در آن انواع تولیدی‌ها و کسب و کارها وجود دارد و شما به عنوان فیلمساز دور بین را به این خیابان برده‌اید تا برشی از یک زندگی را نشان دهید. نکته دیگر اینکه ما در شخصیت‌های فیلم هیچ کاراکتر آزار دهنده و پلشتی نمی‌بینیم.

ممنون از اینکه این نظرهارا به من کارگردان انتقال دادید. اگر خوشبختانه تماشاگر توانسته با فیلم ارتباط برقرار کند، این موضوع به فیلمنامه برمی‌گردد. نشان می‌دهد که فیلمنامه با تحقیقات درست نوشته شده است و توانسته دغدغه‌های انسان و طبقات اجتماعی آنها را به خوبی پیدا کند و کاراکترها به شکل درستی نوشته شوند. به نظرم همیشه در یک فیلم اتفاق خوبی اگر می‌افتد، روی کاغذ است و همین موضوع باعث می‌شود که اجرا هم درست باشد، چرا که در اجرا بدون فیلمنامه درست معجزه‌ای رخ نمی‌دهد. در «خیابان جمهوری» نیز ما با توجه به فیلمنامه درست، در زمان فیلمبرداری برخی نکات را اضافه می‌کردیم و یا در بازی بازیگران یک‌سری تغییرات صورت می‌گرفت.

«خیابان جمهوری» جزئی‌نگری خاصی در کارگردانی دارد. خرد کردن نماها در فیلم دیده می‌شود که این کار را زنده‌تر می‌کند. این میزان از خرد کردن بازی‌ها و دیالوگ‌ها از کجا آمده است؟

بخشی از آن مرتبط با فیلمنامه است و بخشی نیز حین تصویربرداری سکانس‌ها اتفاق می‌افتد و فی‌البداهه است. من در «هزاران چشم» که ۷۰ کار سینمایی و ۹۰ دقیقه‌ای بود، دستیار دوم آقای کیانوش عیاری بودم و این جنس سینما و این مدل کار را از ایشان یاد گرفتم. وقتی «خیابان جمهوری» را تصویربرداری می‌کردیم،

فیلم را کند کرده باشد، اما همین کند بودن ذات اثر است.

ساختن فیلم کم‌دی بهتر از ساخت فیلم‌های اجتماعی و کم‌هزینه باید باشد. «خیابان جمهوری» را خوب ساختید.

تولید فیلم‌های کم‌دی هم جای خود را دارد. من کم‌دی‌هایی چون «آینه بغل» و «رحمان ۱۴۰۰» را ساختم که در گیشه فروش خوبی داشتند. من حتی در فیلم‌های کم‌دی هم دغدغه‌های اجتماعی داشتم.

وقت خوبی داشتیم و برخلاف دیگر کارهایم که همیشه با عجله تولید می‌شد، در تولید این کار طمأنینه داشتیم و این موضوع به ما خیلی کمک کرد. نکته دیگر کم‌هزینه بودن تولید فیلم است. وقتی پای پول زیاد در میان باشد، جنس کار متفاوت می‌شود، اما با توجه به کم‌هزینه بودن فیلم، همه عوامل دلی کار کردند و این عشق به کار تأثیر خودش را گذاشت.

فیلم ریتم کندی دارد.

این فیلم قصه‌ای مبتنی بر روابط افراد است، برشی از زندگی یک دختر که شاید ریتم

«کوچ»، چطور به زندگی حاج قاسم نزدیک شد؟

نشست پرسش و پاسخ فیلم سینمایی «کوچ» ساخته محمد اسفندیاری در چهارمین روز جشنواره ملی فیلم فجر در سالن ۱۲ پردیس ملت برگزار شد.

مهدی مطهر، نویسنده و تهیه‌کننده، محمد اسفندیاری نویسنده و کارگردان، علی رادمنش بازیگر، پیمان محمدی طراح صحنه و ابوالفضل آینه‌نگینی بازیگر نوجوان این فیلم حضور داشتند.

محمد اسفندیاری، کارگردان اثر توضیح داد: فیلم ما پروسه فشرده‌ای داشت. ساخت «کوچ» از فیلم کوتاه «۱۳ سالگی» استارت خورد و ایده ابتدایی آن از کتاب «باران گرفته است» بود که فیلم کوتاه ساخته شد و ما را بر آن داشت تا فیلم بلند آن را بسازیم. مطهر، تهیه‌کننده کار گفت: کل پیش تولید ما طی ۲ تا ۳ ماه انجام شد و همه تلاشمان را کردیم فیلم به جشنواره امسال برسد. اگر زمان بیشتری داشتیم هم هزینه‌ها کمتر می‌شد هم در اجرا کار بهتری انجام می‌شد. وی اضافه کرد: فیلم ما تنها فیلم اقتباسی جشنواره است و خود کتاب حاصل خاطرات متنوع درباره حاج قاسم بود که را کوردهای درست و جالبی را فراهم کرد. وی ادامه داد: لوکیشن ما در منطقه‌ای در ساوجبلاغ است که همه لوکیشن ساخته شد تا شبیه به روستای قنات ملک محل تولد حاج قاسم در بیاید.

اسفندیاری در خصوص شباهت بخش‌هایی از فیلمش به «بچه مردم» گفت: قبل از «بچه مردم» هم وس اندرسون از این سبک استفاده کرد. ما نخستین فیلمسازها نیستیم و قطعاً اثری ممکن است شباهت‌هایی با آثار پیش از خود داشته باشد. کارگردان «کوچ» درباره ساختار فیلم تصریح کرد: سعی کردیم ساختار شکنانه به ژانر بیوگرافی نگاه کنیم و هیچ‌گاه پیشینه قهرمان را در قصه مرور نمی‌کنیم. اگر شخصی قهرمان می‌شود پیشینه‌ای داشته و در خانواده‌ای رشد کرده که باید آن را هم ببینیم. وی اضافه کرد: پیشینه آدم‌های بزرگ از لحظه قهرمانی مهم‌تر است. لحظه قهرمانی لزوماً اصالت ندارد این‌که چه مسیری را طی کرده دراماتیک‌تر است. طراح صحنه نیز در ادامه عنوان کرد: ما از قبل باید یک مایه‌زایی را با توجه به چیزهایی که از قبل وجود داشته ایجاد می‌کردیم. از زادگاه حاج قاسم و کرمان که با عکس‌ها، فیلم‌ها و رفرنس‌ها سعی کردیم درست اجرا کنیم. آینه‌نگینی، بازیگر فیلم نیز گفت: با توکل به خدا و زحمت کارگردان توانستم این نقش را اجرا کنم. در فیلم «۱۳ سالگی» اعلام شد این اثر پیش‌پرداختی از یک فیلم بلند است و کم‌کم با نقشم خو گرفتیم. من اصالتاً در همان روستایی بزرگ شدم که حاج قاسم بزرگ شد. اسفندیاری با اشاره به اینکه چرا باید از بازیگران چهره استفاده می‌کردم، گفت: ما دنبال واقعیت و سینما بودیم دنبال موج سواری روی حضور بازیگران نبودیم. اگر ۱۰ بار دیگر هم سفارش ساخت این پروژه را داشته باشم با همین کست فیلم را خواهم ساخت.



زمزمه‌ای که تا مدت‌ها در ذهن می‌ماند

محمد حسین مهدویان در «نیم شب» ترجیح می‌دهد تاریخ را از شکاف‌ها و از لحظه‌های ظاهر اکم‌اهمیت اما تعیین‌کننده روایت کند

◀ مریم پیرکاری-روانشناس بالینی



«نیم شب» فیلمی است به ظاهر ساده اما در بنیان، سخت و پیچیده؛ روایتی فشرده که در ۲ ساعت، تنها چند ساعت کوتاه از دوست و هشتاد و هشت ساعت جنگ با اسرائیل را پیش چشم مخاطب می‌گذارد. انتخاب این برش زمانی، خود یک موضع‌گیری است: مهدویان علاقه‌ای به بازگویی کلان روایت‌های پرطمطراق ندارد؛ او ترجیح می‌دهد تاریخ را از شکاف‌ها، از لحظه‌های ظاهر اکم‌اهمیت اما تعیین‌کننده روایت کند. مهدویان بار دیگر به سراغ قصه‌ای واقعی رفته است، اما نه از دریچه سیاست یا قهرمان‌سازی رسمی بلکه از زاویه‌ای اجتماعی و انسانی. نیم شب بیش از آنکه درباره «جنگ» باشد، درباره «مردم در وضعیت جنگی» است. دوربین، به جای تمرکز بر مرکز، بر حاشیه‌ها می‌ایستد؛ بر آدم‌هایی که قرار نیست قهرمان باشند، اما ناگزیر در دل تاریخ قرار گرفته‌اند. تمرکز فیلم بر افراد و کاراکترهاست؛ شخصیت‌هایی که هر کدام جزئی از یک کل‌اند و در کنار هم، پازلی منسجم از یک تجربه جمعی می‌سازند.

مهدویان به خوبی می‌داند که فهم یک رویداد بزرگ، تنها از مسیر زیست فردی ممکن می‌شود. بنابراین روایت را خرد می‌کند، آن را به بدن، صدا، نگاه و تصمیم‌های کوچک انسان‌ها می‌سپارد. نیم شب امضای مهدویان را با خود دارد. از دکوبازی حساب‌شده و پررنگ، تا پرهیز آگاهانه از اغراق‌های فرمی و جسارت در سپردن نقش‌های کلیدی به بازیگران غیرمعروف؛ انتخابی که نه از سر محدودیت، بلکه از سبک‌پاوری به «واقعی‌بودن» جهان فیلم است. این انتخاب‌ها باعث می‌شود تماشاگر، به جای دیدن یک فیلم بازسازی شده، احساس حضور در موقعیت را تجربه کند.

مهدویان مانند فیلم‌هایش جسور است؛ جسور در انتخاب سوژه، در فرم روایت و در ایستادن میان دو قطب خطرناک شعارزدگی و بی‌موضوعی. او نه تاریخ را خنثی روایت می‌کند و نه آن را به ابزار تبلیغ فسر می‌کاهد. همین تعادل دشوار است که آثارش را ماندگار می‌کند. مهدویان خودش، اندیشه‌اش و فیلم‌هایش، منحصر به فردند؛ نه به دلیل تفاوت‌نمایی بلکه به خاطر اصرار بر دیدن جهان از زاویه‌ای که کمتر دیده شده است. نیم شب ادامه همین مسیر است: سینمایی که به جای فریاد زدن تاریخ، آن را زمزمه می‌کند؛ اما زمزمه‌ای که تا مدت‌ها در ذهن می‌ماند.



سرزمین خورشید

درباره ۲ مستند «ارس، رود خروشان» و «در سپهر ایران»

در حالی که حمله اسرائیل به ایران در بهار و تابستانی که پشت سر گذاشتیم، بیشتر تولیدات سینمای مستند را به سمت ساخت آثاری با محور این مسئله و مقاومت ایران سوق داد، ۲ مستند «ارس، رود خروشان» و «در سپهر ایران» از منظری دیگر و فارغ از مسائل سیاسی به ایران ادای احترام می‌کنند و «ایران بزرگ» را پاس می‌دارند.

■ هادی آفریده در

«ارس، رود خروشان»

به مسئله رود ارس،

تأثیر آن در شکل‌گیری

تمدن و آبادانی در

منطقه‌ای خاص

می‌پردازد، مشکلات

زیست‌محیطی مردم

این منطقه را بیان می‌کند و با گفتار متنی

زیبا که توسط شبنم مقدمی خوانده شده،

تماشاگر را با خود همراه می‌کند. فیلم

هادی آفریده که محصول مرکز گسترش

سینمای مستند، تجربی و پویانمایی

است از پس پژوهش طولانی و عمیق

ساخته شده و اطلاعات دست‌اولی برای

تماشاگرش دارد، فیلمبرداری خوب و

قاب‌های زیبا، بهشتی را مقابل چشمان

تماشاگر خلق می‌کند که فراموش‌نشده‌ی

و غبطه‌برانگیز است.



روزنامه چهل و چهارمین
جشنواره بین‌المللی فیلم فجر

44nd

FAJR INTERNATIONAL
FILM FESTIVAL

چهارشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۴ - شماره ۵

■ مستند «در سپهر

ایران» ساخته مجید

کریمی هم از پس

کوششی چند ساله

خلق شده، روایتی

از تاریخ، فرهنگ و

هنر ایرانی و تأثیر

نور و معماری و نگاه

یکتاپرست در این معماری، فیلمی با

تصاویری باشکوه و روایتی سرحال با صدای

شهرام درخشان که اطلاعات بسیاری دارد.

دوربین از مسجد جامع عباسی، تا مسجد

شیخ لطف‌الله، از طاق بستان تا خانقاه‌ها

می‌رود و رد پای نور و زیبایی و یگانگی

را جست‌وجو می‌کند. فیلمی با تنوع

بصری که قطعا برای مخاطب و تماشاگر

غیرایرانی جذاب است. این امتیاز در معدود

مستندهای داخلی مشاهده می‌شود که

بیشتر این آثار با گوشه چشمی به جشنواره

خارجی (با سلاقی خاص) یا محافل داخلی

(با معیارهای آشنا) ساخته می‌شوند.

مجید کریمی در این فیلم، با طی مسیری

آگاهانه، زیبایی، شکوه فرهنگ و تاریخ

ایران را به رخ می‌کشد و اطلاعاتی جامع

از این مسیر بلند تاریخی به تماشاگرش

می‌دهد. نکته مهم درباره این ۲ مستند

که علاوه بر نمایش در نوزدهمین جشنواره

«سینماحقیقت»، در چهل و چهارمین

جشنواره فیلم فجر هم روی پرده رفتند

این است که این روزها که وحدت ملی و

حفظ انسجام ایران مهم و ضروری است،

تنها از منظر جنگ و مقاومت نمی‌شود به

ایران بزرگ نگاه کرد، ایران مجموعه‌ای از

مقاومت، پیروزی، سلحشوری، هنر، ادبیات

و فرهنگ است.



معجزه‌ای که از دل خاکستر بر می‌خیزد

«سرزمین فرشته‌ها» اثری است که درد غزه را نه با فریاد، بلکه با زمزمه‌ای انسانی روایت و یادآوری می‌کند

محمد عبدالهادی - نویسنده، کارگردان و مدرس دانشگاه

فیلم «سرزمین فرشته‌ها» ساخته بابک خواجه‌پاشا، به تهیه‌کنندگی منوچهر محمدی محصول سازمان سینمایی سور، اثری است که در قالب درام اجتماعی و معنوی به بررسی رابطه انسان، ایمان و



مفهوم رستگاری می‌پردازد.

فیلم نه تنها روایت یک داستان، بلکه تجربه‌ای است برای پرسش درباره واقعیت، حضور و معنای زندگی در میان فاصله، میان دیده‌ها و ناممکن‌ها.

«سرزمین فرشته‌ها» روایت زنی است (ضحی، با بازی درخشان و کنترل‌شده «سلاف فواخرچی» بازیگری سوری که در شهر لاذقیه زاده شده) که در میان ویرانی‌های بی‌رحم، تصمیم می‌گیرد نه فقط زنده بماند، بلکه زندگی را برای گروهی از کودکان ممکن سازد. این معجزه، همانطور که فیلم بارها نشان می‌دهد، از آسمان فرود نمی‌آید، بلکه از دست‌های خسته، از آغوش‌های شکسته، از داستان‌هایی که کودکان برای هم تعریف می‌کنند تا فراموش کنند صدای انفجار را، به وجود می‌آید.

فیلم هوشمندانه از کلیشه‌های مستقیم جنگ دوری می‌کند. به جای تصاویر آرشیوی یا صحنه‌های اکشن، درد را از زاویه نگاه کودکان نشان می‌دهد: کودکی که با یک تکه پارچه، خانه‌ای خیالی می‌سازد؛ کودکی که نام مادرش را روی دیوار می‌نویسد؛ کودکی که با ترس از خواب می‌پرد و بلافاصله می‌پرسد «فردا چی می‌شه؟». کارگردان اینجا به جای شعار دادن، اجازه می‌دهد تماشاگر خودش درد مشترک انسانی را حس کند.

«این جهان ما نیست...» نه فقط شعار فیلم است، بلکه فریادی است علیه جهانی که کودکان را قربانی می‌کند. اما فیلم در نهایت، امید را نه در پیروزی نظامی، بلکه در پیوند انسانی و مقاومت روزمره می‌جوید. این نگاه، فیلم را از بسیاری آثار مشابه متمایز و آن را به اثری عمیقاً انسانی تبدیل کرده است.

روایت ممکن است به صورت خطی مستقیم نباشد و لذا ساختار غیر خطی یا لایه‌دار می‌تواند مخاطب را به مشارکت در کشف معنا دعوت کند. چنین رویکردی به ویژه در فیلم‌هایی با محور حافظه جمعی می‌تواند به تجربه تأمل‌برانگیزتری منتهی شود، چرا که هر صحنه نه تنها خبر از اتفاقی دارد بلکه حامل پالس‌های معنایی است که در تکرار و بازتولید معنای آنها شکل می‌گیرد.

خواجه‌پاشا در سومین فیلمش، به بلوغ بصری رسیده. قاب‌ها اغلب نزدیک و صمیمی‌اند؛ چهره کودکان و سلاف فواخرچی را در نور طبیعی و نرم می‌بینیم؛ طوری که هر چین و چروک و هر قطره اشک، داستان خودش را دارد. رنگ‌ها خاکستری-گرم هستند؛ نه سیاه

مطلق و برآنی، نه رنگ‌های اغراق‌شده امید. این انتخاب، فضا را واقعی و در عین حال شاعرانه نگه می‌دارد.

یکی از نقاط قوت فیلم، ریتم آن است: آرام، اما نه کند. لحظات طولانی سکوت و نگاه، با صداهای محیطی (باد، نفس کودکان، صدای دور انفجار) ترکیب شده‌اند و موسیقی (که بجا و کم‌حجم است) و فقط در لحظات کلیدی وارد می‌شود تا احساس را تقویت کند، نه اینکه جایگزین آن شود.

کار با بازیگران کودک فوق‌العاده است؛ طبیعی، بدون ادا و اطوارهای رایج سینمای کودک. سلاف فواخرچی هم در نقش ضحی، یکی از بهترین بازی‌هایش را ارائه داده: قدرتمند، شکننده، مادرانه و در عین حال مبارز.

تنها نکته‌ای که شاید بتوان به عنوان چالش مطرح کرد، این است که در برخی لحظات، شاعرانگی فیلم کمی به مرز استعاره‌گرایی بیش از حد نزدیک می‌شود (مثلاً نمادهای تکراری پرند یا نور)، اما خوشبختانه کارگردان با بازگشت سریع به واقعیت‌های روزمره، تعادل را حفظ می‌کند.

موسیقی در فضاهای افسانه‌ای خالی از کلمه می‌تواند حضور ناموجود را ملموس کند. ترکیب موسیقی با سکوت‌های معنادار یا استفاده از فضا سازی صوتی نامتعارف، به ایجاد حسی از وجودی فراتر از جهان عادی کمک می‌کند.

صداهای محیطی، افکت‌های صوتی و گاهی گرایش به موسیقی اورتوریک یا فضا محور می‌تواند به مخاطب فرصتی بدهد که با بافت شنیداری جهان فیلم ارتباط برقرار کند و معنای سکوت یا حضور را از این طریق تجربه کند.

درنمایه اصلی فیلم، کشمکش میان باور و واقعیت است. شخصیت‌های داستان در جست‌وجوی نجات یا معنا هستند، اما مسیر رستگاری برایشان با رنج، تردید و فداکاری همراه است.

کارگردان سعی می‌کند تصویری از جامعه‌ای ارائه دهد که در آن نور ایمان هنوز وجود دارد اما زیر سایه مشکلات روزمره و بی‌عدالتی‌ها پنهان شده است. به عبارتی «سرزمین فرشته‌ها» استعاره‌ای از دنیای امروز ماست؛ جایی که انسان‌های عادی می‌توانند اگر بخواهند، به فرشتگان تبدیل شوند.

در مجموع «سرزمین فرشته‌ها» یکی از آن فیلم‌هایی است که بعد از دیدنش، مدتی طول می‌کشد تا کلمات برای توصیفش پیدا شود؛ اثری است که درد غزه را نه با فریاد، بلکه با زمزمه‌ای انسانی روایت و یادآوری می‌کند که حتی در تاریک‌ترین لحظات، معجزه می‌تواند از دل عشق و مقاومت بیرون بیاید. فیلم شایسته توجه جدی در جشنواره و بعد از آن است؛ هم از نظر محتوایی و هم از منظر سینمایی. وقتی فیلم تمام می‌شود، نخستین چیزی که در ذهن می‌ماند، صدای خنده و گریه همزمان کودکان است؛ صدایی که انگار از عمق یک زخم قدیمی می‌آید و همزمان امید را فریاد می‌زند.

رسانه کارگردانان

بنویس بنویس، بنویس



علیرضا محمودی

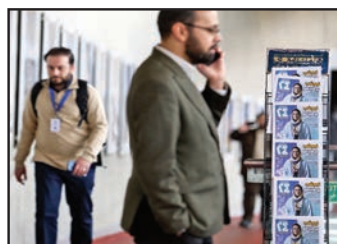


عکس: سیفا الله طاهری

میان همه مشاغل سینمایی در صنعت فیلمسازی فارسی بهترین شغل برای رسیدن به صندلی کارگردانی، فیلمنامه‌نویسی است. تقریباً همه کارگردانان تاریخ سینما که آثارشان مورد توجه قرار گرفته بیش از آنکه کارگردان باشند، فیلمنامه‌نویس هستند و اغلب فیلمنامه‌نویسان مترصد موقعیتی برای عبور همیشگی از شغلشان تا کارگردانی. این وضعیت بیش از هر چیزی فقر دفاتر تولید فیلم در ایران را هویدا می‌کند که برای تامین نیروی انسانی خود در زمینه کارگردانی راهی جز بفرمازند به فیلمنامه‌نویس پروژه ندارند و در مسیر فیلمنامه‌نویسی هیچ سرنوشتی برای نویسندگان بهتر از این نیست که خودشان کارگردان و یا حتی تهیه‌کننده شوند. صنعتی که ابهت و اهمیت تولیدات آن در عبور از ذهن‌های مختلف و تأثیرات گوناگون تا محصول نهایی است، در یک شرایط غیرصنعتی تبدیل به کاری در حد خراطی و مجسمه‌سازی می‌شود. سیروس الوند بیش از نیم‌قرن در صنعت سینمای ایران به‌عنوان روزنامه‌نگار (نویسنده بلندترین نقد فارسی روی یک فیلم ایرانی)، فیلمنامه‌نویس، کارگردان، بازیگر (بازی در نقش اول فیلم مسافر شب به کارگردانی منصور تهرانی) و تهیه‌کننده در تمام این دوران به‌عنوان یک فیلمنامه‌نویس در مرحله اول کارش را پیش برده و موفقیت و تداوم حرفه‌ای رقم زده است. بزرگ‌ترین موفقیت‌های الوند هنگامی رقم خورده که او توانسته نسبتی بین توانایی‌های فردی خود به‌عنوان فیلمنامه‌نویس و چرخه رایج فیلمسازی آن دوران برقرار کند. در ۲ دهه‌های ۳۵۰ و ۱۳۷۰ و ۲ فیلم نمونه‌ای چرخه فیلم‌های تلخ جوان پسند را که پیرامون تریلرهای سرقتی روی می‌داد ساخته است. هر دو فیلم پدیده‌های چرخه‌های خود شده و ستارانشان پرفروغ‌تر و داستان‌هایشان نقل محافل و ترانه‌هایشان در صدر فهرست پرفروش‌ها! فیلم‌هایی که فروش و توجه به آنها بیش از هر چیزی مدیون هوش فیلمنامه‌نویسی الوند بود که در بهترین زمان ممکن سناریویی برای عرضه در الگوهای چرخه رایج فیلمسازی آن دوران نوشت و توانست بهترین ستارگان را برای ساخت آن به کار گیرد. بقیه عوامل این موفقیت‌ها بدون در نظر گرفتن انگیزه الوند برای استفاده از توانایی‌اش در بهتر شدن در مسیر یک چرخه مورد توجه داستانی در دفاتر سینمایی، کم‌فروغ و بی‌اهمیت است. کارنامه سیروس الوند در تاریخ سینمای ایران روایت مناسبی از موانع صنعتی نشدن سینمایی است که همیشه روی استعدادهای فردی پیش رفته است تا سازوکارهای جمعی.

سکانس پنجم فجر ۴۴

بردیس ملت دیشب هم محل حضور چهره‌های سینمایی بود



عکس‌نوشت

بچه‌های حوزه روی صحنه

این عکس را امید یارسانزاد شب ۲۳ بهمن ۱۳۷۹ روی صحنه تالار وحدت از اختتامیه بیست و نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر برداشته است. شادروان رسول ملاقلی‌پور جایزه بهترین کارگردانی را برای فیلم باران به مجید مجیدی اهدا می‌کند. صحنه‌ای که عکاس همشهری آن را مستند کرده همراهی دو فیلمساز مهم برخاسته از سال‌های اولیه حوزه هنری یکی به‌عنوان داور و یکی به‌عنوان فیلمساز است. ساعتی قبل از اینکه مجیدی به روی صحنه فراخوانده شود تئو آنجلو پولوس میهمان بزرگ جشنواره نوزدهم روی صحنه آمد تا سیمیرغ افتخاری خود را از عباس کیارستمی دریافت کند.

